

www.csr.ir

استاد محمد صالح

مرکز تحقیقات استراتژیک



مرکز تحقیقات استراتژیک



www.csr.ir

کارآفرینی، دانش و رشد اقتصادی

پونتوس برونر هلم
ترجمه: افشین حیدرپور

کمیته علمی شاخص سازی و آینده پژوهی
گروه پژوهشی اقتصاد
پژوهشکده تحقیقات راهبردی

مرکز تحقیقات استراتژیک

سرشناسه: پرونرهلیم، پونتوس؛ Braunerhjelm, Pontus
 عنوان و نام پدیدآور: کارآفرینی، دانش و رشد اقتصادی / نویسنده: پونتوس پرونرهلیم؛ مترجم: افشین
 حیدرپور؛ به سفارش پژوهشکده تحقیقات راهبردی، گروه پژوهشی اقتصاد.
 مشخصات نشر: تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۹.
 مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص؛ جدول: ۱۴/۵×۲۱ س.م.
 شابک: ۲۵۰۰۰ ریال؛ 978-600-5914-01-6
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
 یادداشت: عنوان اصلی: Entrepreneurship, knowledge and Economic Growth, 2008
 یادداشت: کتابنامه: صص ۱۱۲-۸۷.
 موضوع: کارآفرینی
 موضوع: رشد اقتصادی
 شناسه افزوده: حیدرپور، افشین، ۱۳۵۸- مترجم
 شناسه افزوده: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک
 شناسه افزوده: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، پژوهشکده تحقیقات
 راهبردی، گروه پژوهشی اقتصاد
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۹ ک۳۴۲ پ/۶۱۵ HB
 رده‌بندی دیویی: ۳۳۸/۰۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۴۷۷۹۹



پژوهشکده تحقیقات راهبردی

پژوهشکده تحقیقات راهبردی
 گروه پژوهشی اقتصاد
 کارآفرینی، دانش و رشد اقتصادی
 نویسنده: پونتوس پرونرهلیم
 ترجمه: افشین حیدرپور

چاپ، لیتوگرافی و صحافی: ساغر مهر (saqaremehr@yahoo.com)

ویراستار: سمیه صالح‌نیا
 صفحه‌آرایی: سعید احمدی
 طراح جلد: مصطفی حیدری
 ناظر چاپ: عباس زارع
 نوبت انتشار: نخست، تیر ۱۳۸۹
 شابک: 978-600-5914-01-6
 شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه
 قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

تهران، انتهای خیابان پاسداران، ضلع جنوبی بوستان نیاوران، شماره ۸۰۲،
 تلفن: ۸-۲۵۲۵-۴۲۸۰، دورنگار: ۲۲۲۹۳۰۷۱

پیشگفتار.....	۷
فصل اول: عرصه نظری	۱۳
۱. نظریه کارآفرینی	۱۳
۲. تعریف کارآفرین	۱۴
۳. منابع فرصت‌های کارآفرینی	۲۰
۴. نقش دانش در نظریه اقتصادی	۲۴
الف - چگونه دانش را تعریف کنیم؟	۲۵
ب - دانش، توانایی فردی و انتخاب شغلی	۲۹
ج - کارآفرینی و نظریه سرریز دانش	۳۲
۵. نظریه رشد دانش محور (درون‌زا) و کارآفرینی	۳۶
۶. بُعد فضایی: کارآفرینان و نظریه جغرافیایی اقتصادی جدید	۴۵
فصل دوم: شواهد تجربی.....	۵۱
۱. یافته‌های تجربی در سطح خرد.....	۵۲
۱-۱. کارآفرینان، نوآوری و رشد شرکت	۵۲
۱-۲. منبع‌یابی دانش، نوآوری و کارآفرینان	۵۶

۶۱.....	۲. شواهد در سطح انبوه.....
۶۱.....	۲-۱. کارآفرینی، دانش و رشد منطقه‌ای.....
۶۵.....	۲-۲. کارآفرینی، دانش و رشد ملی.....
۷۰.....	فصل سوم: دلالت‌های سیاستی.....
۷۸.....	فصل چهارم: شکاف‌های دانش در حوزه کنونی تحقیق.....
۸۴.....	فصل پنجم: نتیجه‌گیری.....
۸۸.....	منابع و مآخذ.....

www.csr.ir

پیشگفتار

قابلیت یک جامعه برای افزایش ثروت و رفاه در گذر زمان، تا اندازه قابل توجهی با توان بالقوه آن برای توسعه، بهره‌برداری و اشاعه دانش مرتبط است که در نتیجه بر روند رشد آن تأثیر می‌گذارد. بلندترین گامی که در مسیر تکامل بشریت برداشته شده، پیش‌زمینه‌ای از مباحث دامنه‌دار و برجسته علمی و پیشرفت‌های فنی داشته است. مراحل جهش علمی، از توسعه اقتصادی تبعیت می‌کنند که خصوصیت آن عدم قطعیت، تجربیات بازار، بازتوزیع ثروت و ایجاد ساختارها و صنایع جدید است. این الگو بازتاب روند تکامل طی اولین و دومین انقلاب صنعتی در قرن‌های ۱۸ و ۱۹ است و خصوصیت بارز انقلاب «سوم» یعنی انقلاب دیجیتال پیش رو خواهد بود.

به‌رغم این حقیقت که در نظام‌های اقتصادی این پیش‌فرض کلی وجود دارد که فرایندهای سطح خرد نقش مهمی در اشاعه دانش ایفا می‌کنند و لذا فرایند رشد را تحت تأثیر قرار می‌دهند، نمی‌توان

چهارچوب نظری محکمی را در کنار تحلیل‌های تجربی برای حمایت از این ادعا مطرح کرد. متغیرهای اقتصادی دانش، کارآفرینی و رشد اقتصادی از دیرباز به عنوان موجودیت‌های مختلف و متمایز تلقی شده‌اند. تا ۱۰ یا ۱۵ سال اخیر، منابع علمی مستقلی وجود نداشت که هدف آنها یکپارچه‌سازی این مفاهیم در چهارچوبی منسجم باشد. سنت‌ها و دیدگاه‌های آکادمیک مختلف در تکمیل درک ما از چگونگی ارتباط کارآفرینی علمی و فرایند رشد نقش ایفا کرده‌اند و می‌توان از دل این دورنمایه‌ها به نتیجه‌گیری‌های مناسب از حیث خط‌مشی رسید.

هدف اصلی متن حاضر، روشن کردن پیشرفت‌های اخیر در زمینه درک ما از نیروهایی است که در خلق دانش و اشاعه و تجاری کردن آن نقش داشته‌اند و اینکه نقش کارآفرین را در این فرایندهای پویا بررسی کنیم. به علاوه به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت که این دورنمایه‌ها چگونه در قالب مدل‌های موجود قرار می‌گیرند. این مطلب نشان‌گر یک مدل توسعه دانش‌محور و تغییریافته است که در بنیان‌های اقتصاد خرد ریشه دارد و می‌توان از دل آنها به فرضیه‌هایی رسید که از نظر تجربی قابل امتحان هستند و با توجه به تعامل و رابطه درونی میان دانش، کارآفرینی، دینامیسم‌های صنعتی و رشد در سطح منطقه‌ای و ملی می‌توان به آنها دست پیدا کرد؛ لذا درک فرایند رشد نیازمند چهارچوب تحلیلی خرد و کلان است که به‌خوبی تعریف شده باشد.

صرف‌نظر از نقش عمده‌ای که جوزف شومپیتر در اوایل قرن بیستم در تبیین تأثیر اقتصادی کارآفرینی ایفا کرد و موضوعات مربوط به این مقوله برای مدت طولانی در جریانات اصلی اقتصادی نادیده گرفته شده‌اند. الگوی توازن کلی که حداقل به مدت نیم‌قرن بر فرایندهای اقتصادی مسلط بود و هنوز هم تا اندازه زیادی این نفوذ را حفظ کرده - جای کمی برای کارآفرین باقی می‌گذارد. در دهه گذشته، علاقه به تعیین

سهم کارآفرین در فرایندهای پویای صنعتی و توسعه اقتصادی، در میان چهره‌های آکادمیک و سیاست‌گذاران احیا شده است. نکته جالب این است که فرایندهای توصیف‌شده توسط شومپتر (۱۹۱۱)، ارتباط زیادی با نظریه رشد دانش‌محور کنونی دارند (Romer, 1986, 1990). همچنین می‌توان به گرایشی در متون علمی نظری اشاره کرد که به شکلی عیان‌تر به دنبال وارد کردن کارآفرین به یک زمینه رشد است.

مثلاً/شمیتز^۱ (۱۹۸۹) مدلی را مطرح می‌کند که در آن افزایش سهم کارآفرینان منجر به افزایش رشد در درازمدت (از طریق تقلید) می‌شود. لوکاس^۲ (۱۹۸۸) هم میان کارآفرینان و ارزش‌های «متداول‌تر» ارتباط قائل می‌شود و بر موارد بیرونی تأکید می‌کند که ریشه در شکل خاصی از سرمایه انسانی دارند که ما آنها را کارآفرینان می‌خوانیم. او همچنین در این باره بحث می‌کند که این امر تا چه میزان می‌تواند بازتاب نرخ رشدهای متفاوت کشورها باشد. آنچه در متون علمی رشد «مدل‌های نئوشومپتریانی رشد درون‌زا»^۳، یا مدل «نردبان کیفیت»^۴ و اجازه ورود از طریق کیفیت ارتقا یافته و جدید محصولات را می‌دهد نیز تلاش دیگری در این زمینه است (Segerstrom (et al) 1990-1991, Aghion and Howitt, 1992; Segerstrom, 1995). با این حال این مدل‌های متأخر، بیشتر به رفتار شرکت‌های بزرگ متصدی از جمله تحقیق و توسعه‌ها^۵ توجه دارند تا به کارآفرین «اصیل و واقعی».

برای بررسی شرایط، خصوصیات، محرک‌ها و اثرات ایجاد دانش،

-
1. Schmitz
 2. Lucas
 3. Neo-Schumpeterian
 4. Quality Ladder
 5. R&D (Research and Development)

نوآوری‌ها، کارآفرینی و تأثیر متعاقب آنها بر پویایی‌ها و رشد صنعتی، نیازمند درون‌مایه‌هایی از رشته‌های مختلف هستیم؛ رشته‌هایی که در وهله نخست مورد توجه قرار می‌گیرند علم اقتصاد، جغرافیای اقتصادی و مدیریت بازرگانی و اجرای تجارت هستند. موضوع اصلی این بررسی مربوط به متون علمی اقتصادی است که هدف آنها تعیین بنیان اقتصاد خرد رشد، تعیین میزان ناکامی مدل‌های کنونی از این حیث و پیشنهادهایی برای بهبود امور است.

رشد قابل درک نخواهد بود اگر «کنشگر اصلی تغییر»^۱ - کارآفرین - از فرایند دور باشند. این همچنین بدان معنی است که فرایندهای تکامل مبتنی بر مسائل خرد مثل رفتار و تجربیات فردی و «تخریب خلاقانه»^۲ مدل به شالوده درک رشد می‌شوند. شاید شومپتر در این زمینه (۱۹۴۷):
 (۱۴۹) بیش از سایر اقتصاددانان، به صراحت درباره کارکرد اقتصادی ویژه کارآفرین صحبت می‌کند: «فرد مبتکر، ایده تولید می‌کند و کارآفرین کارها را عملی می‌کند»، یک ایده یا مسئله علمی به خودی خود هیچ ارزشی برای عمل اقتصادی ندارد». لذا شومپتر تفکیک روشنی میان کارآفرین و خالق دانش قائل می‌شود و آنها را با توجه به دستاوردهای علمی‌شان تعریف می‌کند.

این دیدگاه که کارآفرین می‌تواند نقش مهمی در یک اقتصاد دانش‌محور داشته باشد، موجب شکل‌گیری آگاهی متعارف می‌شود. مثلاً گالبریث^۳ (۱۹۶۷)، ویلیامسون^۴ (۱۹۶۸) و چنسلر^۵ (۱۹۷۷) معتقدند

-
1. Agents of Change
 2. Creative Destruct
 3. Galbraith
 4. Williamson
 5. Chandler

بهره‌برداری شرکت‌های بزرگ از صرفه‌جویی ناشی از مقیاس، ناگزیر به موتور اصلی محرک نوآوری‌ها و تغییر فناورانه تبدیل خواهد شد. اگرچه جوزف شومپتر (۱۹۴۲) در این دیدگاه با آنها اشتراک نظر داشت هرچند درباره عایدی سودمندان این فرایند، بیش از همکارانش شک و تردید داشت.^۱ شومپتر بیشتر می‌ترسید که جایگزین شدن شرکت‌های کوچک و متوسط به جای شرکت‌های بزرگ، تأثیر منفی بر ارزش‌ها، نوآوری و تغییرات فناوری کارآفرینی بگذارد. گرچه اینها نظرات اولیه محققان برجسته هستند اما شواهد تجربی وجود دارد مبنی بر اینکه توسعه از اوایل دهه ۷۹ در بیشتر کشورهای صنعتی شکل معکوس به خود گرفته است (Evans 1991; Loveman & Sengenberger 1991, Brown et al, 1990). به نظر می‌رسد دوره شکوفایی رشد به اتمام رسیده و ریسک موجود در کارآفرینی روزبه‌روز بیشتر به عنوان مقوله‌ای تفکیکنشدنی از رشد و رفاه اقتصادی مطرح می‌شود.

کتاب حاضر به چهار بخش مجزا تقسیم می‌شود. بخش دوم کتاب به بررسی جنبه‌های نظری کارآفرینی، دانش، رشد منطقه‌ای و ملی و اینکه ساختارهای مترکم چگونه بر رشد تأثیر می‌گذارند، می‌پردازد. این بخش متکی بر پیشرفت‌های رخ داده در زمینه جغرافیای اقتصادی است و رشد درون‌زا را با یافته‌های علم اقتصاد تکاملی، اقتصاد کارآفرینانه، اقتصاد نهادی و اقتصاد منطقه‌ای در کنار هم می‌سنجد. در بخش سوم نیز

۱. شومپتر در روند حرفه‌ای خود، نگرش درباره کارآفرینان و نقش آنها در اقتصاد را تغییر داد. کارهای اولیه او که در آنها کارآفرین کنشگر کلیدی تغییر و توسعه اقتصادی تلقی می‌شد، اشاره به رژیم Mark I او داشتند. بعدها او در کارهای خود نگاهی بدبینانه‌تر درباره حوزه تمرکز تغییر کارآفرینی پیدا کرد و مدعی شد شرکت‌های بزرگ عمده فعالیت‌هایی نوآورانه را پیگیری می‌کنند و این دیدگاه جدید رژیم Mark II او را تشکیل داد. مروزی که در اینجا صورت می‌گیرد در وهله نخست متکی به رژیم Mark I شومپتر است.

به شیوه مشابه و مبنایی سازماندهی می‌شود اما به یافته‌های تجربی و به وجوه مشترک کارآفرینی، دانش و رشد می‌پردازد. در بخش چهارم، کاربردهای سیاستی همراه با بسط این مطلب که چگونه باید خط‌مشی‌ها را طراحی کرد تا هم به انباشت دانش و گسترش و اشاعه آن کمک کنند، بررسی می‌شوند. هدف بخش پنجم نیز تعریف برخی شکاف‌های عمده دانش است که تحقیقات علمی آتی باید به آن بپردازند و در آخر، بخش ششم نتیجه‌گیری را از مباحث ارائه می‌دهد.